

طومار نقالی
غزوات سید جلال الدین اشرف
(متن ناشی از دیوان قاجار)

تصحیح و پژوهش
بهروز محمودی بختیاری
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

سرشناسه: محمودی بختیاری، بهروز، ۱۳۵۲ - گردآورنده، مصحح، مقدمه‌نویس
عنوان و نام پدیدآور: طومار نقالی غزوات سیدجلال‌الدین اشرف (متن نقالی از دروه قاجار) / تصحیح و
پژوهش بهروز محمودی بختیاری.
مشخصات نشر: تهران: نشر تمّتی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص.: مصور (بخشی رنگی). ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۶-۱۵-۸۳۵۰-۶۰۰-۹۷۸-۱۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.

موضوع: جلال‌الدین اشرف، حسن بن موسی (ع) -- تعزیه‌نامه
موضوع: جلال‌الدین اشرف، حسن بن موسی (ع) -- جنگ‌ها
ژانر: شیعہ -- ایران -- گیلان -- تاریخ

موضوع: Shī'ah -- Iran -- Gilan (Province) -- History

موضوع: نقال -- طومارها -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: ۲۰th century Scrolls of naqqali -- Early world to

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ط۳/م۴۲۱۲۷ PIR

رده بندی دهکده: ۸۴۳۰

شماره کتابخانه ملی: ۴۳۱۵۹

طومار عالی غزوات سید جلال‌الدین اشرف

(ن نقالی از دوره قاجار)

تصحیح و پژوهش بهروز محمودی بختیاری

ناشر: تمّتی، تهران

نویسنده: چاپ: ان

شمارگان: یک هزار و سیصد

تاریخ نشر: ۱۳۹۵

شابک: ۶-۱۵-۸۳۵۰-۶۰۰-۹۷۸

لینوگرافی، چاپ و صحافی: طاهر

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه،

مجمع فروزنده، طبقه چهارم، واحد ۷۰۲

صندوق پستی: ۱۶۹۷-۱۳۱۴۵ تلفن ۰۹۱۲۰۱۹۰۲۷۰



www.tamti.ir

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	متن رساله
۱۳۹	پیوست‌ها

مقدمه

یکی از موارث مهم فرهنگی ما ایرانیان، متون مکتوب و خطی ما هستند که اگر به موقع سمینار، مجامع و انتشار آنها اقدام نکنیم، ممکن است که در گذر زمان و از آن بدتر، در معرض فراموشی نسل‌ها، کم‌کم از بین بروند. در میان نسخ خطی موجود، موقعیت نسخ خطی مربوط به هنرهای نمایشی (مانند طومارهای نقالی، نسخ تعزیه و متون نمایشنامه‌ها) اهمیت ویژه دارد؛ چرا که بخش‌های بسیار بزرگ تاریخ ادبیات نمایشی ایران را تشکیل می‌دهند و به درک بهتر ما از زمینه‌های رشد و گسترش نمایش‌های ملی‌مان یاری می‌رسانند. متن پیش‌رو، تصحیح طوماری مهم از دوره قاجار است که به شکل بهیچ‌وجهی نوشته شده و حاوی اطلاعات ارزشمندی است.

این طومار، نسخه‌ای خطی است که به شماره IR-۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. متن، متنی است در قطع ۱۶×۱۲، و به اجتهاد کارشناسان کتابخانه مجلس، مربوط به دوره قاجار است و نسخه بدلی هم ندارد. این متن نقالی، شرح (نا تمام) جنگ‌های سید جلال‌الدین اشرف، برادر کوچکتر امام رضا (ع) است، که هم اکنون در ۳۵ کیلومتری شرق شهرستان رشت مدفون است. محل دفن او شهرستانی است که قبلاً «کوچان» خوانده می‌شد و اکنون به نام سید جلال‌الدین اشرف، «آستانه اشرفیه» نامیده می‌شود و چهارمین شهر مذهبی ایران به شمار می‌آید. در طول این نقل، مطالب

تاریخی از قول افرادی چون شیخ سلیمان مازندرانی و شیخ ابوسعید خوارزمی نقل شده، و در لابلای متن منشور گاهی ابیاتی نیز هموزن شاهنامه گنجانده شده است. در حاشیه برخی از صفحات یادداشت‌هایی با مداد توسط حسن فرحمند، فرزند استاد محمدجان نوشته شده، که تاریخ ۱۳۰۵ ش را دارد.

عناوین این داستان (طبق متن نسخه) به قرار زیر است: بر سر تخت نشستن سید جلال‌الدین اشرف در شهر قم، ابتدای جنگ حضرت با باباملحد در کنار پادشاه در ملک زنجان، آمدن شهزاده هاشم و شهزاده قاسم به مدد حضرت، نامه نوشتن باباملحد در نزد برادر کتل شاه و مدد خواستن، آمدن عبدالله ابن عمر عمدانی، ملک شهسپیران به امداد حضرت، جنگ دویم حضرت با کتل‌شاه در صحن طایم، گرفتار شدن، رفتن حضرت در شهر رشت و جنگ کردن با پاسیکا و جعفر کج کار ملعون، کشته شدن آن ملعون، کشته شدن پاسیکا و جعفر کج کار ملعون، آمدن نعمان به مدد در ملک گیلان و جنگ کردن و شکست نعمان، جنگ دویم حضرت با پسران مازون و شکست خوردن، جنگ حضرت با نعمان در کنار سفیدرود و شکست خوردن، قهرین رفتن حضرت با لشکر گران و جنگ کردن با نعمان، گریختن نعمان از دست حضرت و پناه به منصور دوانیقی بردن، به زیارت امام رضا رفتن حضرت با جمیع لشکرش و در سر راه کافری را کشتن، نمونه‌ای مشابه این متن، اما با تفاوت‌های قابل توجه و از دوره صفویه، در دهه ۱۳۴۰ توسط استاد محمد روشن منتشر شد، که تنها نسخه نقالی مهم مربوط به برادر گرامی امام رضا (ع) به شمار می‌آید. این نسخه از نسخه دست‌نویس اختیاری من هم کامل‌تر است و هم مفصل‌تر، چرا که بیست و نه باب کامل دارد و نسخه چاپی آن بالغ بر دویست صفحه است. در تصحیح نسخه حاضر، مشابهت‌ها و تفاوت‌های این دو نسخه نیز مد نظر بوده است. نسخه مصحح استاد روشن، تاریخ کتابت ۱۰۷۱

۱. که البته این بخش در نسخه ما ناتمام است.

۲. ناشناس. (۱۳۶۶). جنگنامه حضرت سید جلال‌الدین اشرف، به تصحیح محمد روشن (چاپ دوم). تهران: علم.

قمری را دارد و در ۵۷ رویه نوشته شده است. خود استاد روشن نیز در دومین صفحه از مقدمه خود بر این تصحیح گفته‌اند که: «از اختصاصات سبک و شیوه نگارش، و از نام‌های جنگاوران و یاران حضرت، چنان برمی‌آید که این اثر به دوران صفوی نگاشته آمده است، و یا خود در این روزگار، رنگ و روینی چنین یافته». اما متن مصحح حاضر به دلایل متعددی از آن متن دیگر جدیدتر است، و نوع کاغذ، الگوی تحریر، رسم الخط و واژه‌های به کار رفته در آن، به همراه نام مناطقی چون «ماوراء»، «شمران»، و «خرکام» که به نظر امکان جدیدتری هستند و در نسخه روشن نیز نور دارند، امکان قاجاری بودن این روایت را بیشتر می‌کند.

ویژگی‌های کلی و روایی متن

این متن نقالی، مانند هر نقل دیگری دارای راوی یا راویان متعددی است که به شیوه‌های مختلف از آنها نقل می‌شود. گاهی نام آنها به صراحت می‌آید، مثل «شیخ سلیمان مازندرانی نقل می‌کند»، «شیخ ابوبکر خوارزمی نقل می‌کند»، یا «شیخ بابای قمی گوید». گاهی به کتبی ارجاع داده شده، مثل بحر الانساب، یا کتاب کشف الاثمه در فضل و معجزات امام هفتم شیعیان. گاهی هم به شخص خاصی اشاره نشده است و صرفاً گفته شده که «راوی روایت (این حکایت) می‌کند». البته به جای کلمه ساده «راوی» از عبارت مطول‌تری هم استفاده شده است، مانند «راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین گفتار»، «محدثان حدیث غرا»، و «سخن‌چینان ورقه آهنگ غزوات».

این راویان ارادتمند، در بیان نیکی‌ها و توانایی‌های اولیاء و ارادتمندان آنها از هیچ مانع‌گذاری برهیز نکرده‌اند. مثلاً از کتف مبارک حضرت سید جلال‌الدین اشرف نوری به سوی آسمان می‌درخشند، و شهزاده داستان، در خزینه منصور دوانیقی را که یکپارچه سنگ است و تکان دادن آن کار ده جوان دلاور، با درود

۱. در نسخه روشن، از کتب بحر الانساب، بهجه، روضه الشهداء و منهاج الکرامه استفاده شده است.

بر مصطفی و بر مرتضی و به یک زور حیدری، برمی‌دارد و به هوا می‌اندازد. دعای سید جلال‌الدین اشرف در خاکستر شدن یکی از مشرکان بلافاصله مستجاب می‌گردد؛ و در متن آمده است که «گوش برخی از قاتلان امام حسین (ع) آن چنان دراز شد که به دوش ایشان می‌رسید، و پیوسته سر ایشان درد می‌کرد.» البته شایسته ذکر است که این راویان، همان گونه که در توصیف جمال و توان اولیا و ارادتمندان آنها بلیغ عمل کرده‌اند، در توصیف اشقیا و گناهکاران هم ناله داشته‌اند. مثلاً در توصیف قیس (پسر باباملحد) توسط سید جلال‌الدین اشرف آمده است که:

«قدّار پلید سگ‌بچه ده زرع بود و دو دندان داشت که هر کدام یک وجب [و] نیم بود و دهان او مانند خوک از دو طرف دهان او بیرون آمده بود و هر روزه ده من شرب می‌نورد. [و] آن سگ مردود دوزخی در روز مصاف [و] کارزار با هزار سوار برابر بود.»

بیوض، یکی دیگر از اسباب سبب ظلم، کسی است که قدّ او هشت زرع است و دو دندان در دهان دارد که هر کدام یک وجب و نیم از دهانش بیرون آمده‌اند. یا لیلای لیلی، شخصیت شقی دیگر، زده آبش ارتفاع دارد و «دندان‌های او یک وجب از چپ و راست او بیرون آمده، و به قدر یک وجب روی پلید او سیاه بود بمانند ذغال، و چشم‌های آن ملعون کبود بود؛ به قدری که هر کس دیدی، بر خود بلرزیدی.» این اشقیا گاه در معرکه نبرد به فضا هم می‌آیند و می‌شوند، مانند مبارزی از سپاه ظلم که در وسط معرکه بادی از معده‌اش رها می‌کند و فضای جدّی نقل به طنز می‌گراید.

اما می‌توان بی‌هیچ تردیدی گفت که جذابیت این طومار نقالی (چون هر طومار دیگری که به زرم و جنگ می‌پردازد)، لحن حماسی و شورانگیز آن است، که علیرغم تکرار در موارد متعدد، خواننده را نمی‌آزارد. این متن نیز چون متن تصحیح‌شده استاد روشن، حاوی توصیفات پرهیجانی از میدان‌های نبرد،

رجزخوانی جنگجویان، ساز و برگ جنگی، و الگوی نزاع افراد است. در این متن، توصیفات جنگ‌افزارها، توان جسمی جنگجویان، و شیوه مبارزه آنها برآستی قابل تعمق است. اکثر جنگجویان «با استعداد تمام» به میدان نبرد می‌آیند، به گونه‌ای که «آلات کارزار بر ایشان تمام بوده است». این افراد بر «مرکب کوه‌پیکر بادپای و تیزرفتار و برق‌کردار»ی سوارند، که مراد از آن، «اسب قیرگون زاغ‌چشم کوه‌پیکر بادپای» یال [۱] دم‌سفید یا ابقی است، که این اسب «عقیلی نژاد»، «زین و لجام رصع» دارد و «برگستوان فولادی و مغربی» بر او گسترده‌اند. سایر رزم‌جامه‌ها و جنگ‌افزارهای این جنگ‌جویان عبارت است از: «کلاهخود گران‌مایه هشت‌پهلویی از جواهر زرنگار»، «زره تنگ حلقه‌ای»، «خفتان سرخ»، «شمشیر یمانی»، «سپر مک‌های»، «سپر زرنگار هر میخی»، «زره داودی»، «نیزه خطی هجده زرعی»، «سپر فراخ‌دامن زرنا»، «تیغ ناس‌گون»، «خفتان سرخ لعل‌گون»، «شمشیر زهرآب‌داده صاعقه‌کردار»، «فندک برآز تیر زمردپیکان یازده مشتی»، «کمان چاچانی»، «خفتان سیاه» و «گوز کون»، و در جمع، آنچه که متن نقالی از آن به عنوان «زینت شش‌دانگی تمام» یاد می‌کند، این است:

توصیف رفتارهای اشخاص نیز در این متن شایسته ذکر است. مثلاً با خواندن متن زیر، درمی‌یابیم که چقدر ایجاد شور و هیجان در سطح طبان مشتاق، از رهگذر این توصیفات تصویرگونه و سرشار از صور خیال، نقش داشته است:

القصه آن دو لشکر به هم درافتادند و جنگ به هم درپشت و چکاچاک شمشیر برآن و فشافش تیر فولادپیکان و شیهه مرکبان و آه و آواز ناکان و بگیر و ببند پهلوانان و صوت طبل [و] نقاره و کرنا و سفیدمهره و شیپور برپاخواست.

یا:

فضل عیار نامه را گرفته ببوسید [و] در کله کلاهخود خود بند کرده و آلات عیاری را بر خود مهیا نمود. زیرپیچ بر پای خود بست و زنگ‌های زرین انداخته

و خنجر عیاری بست و تبرزین دسته مرصع را بر دوش انداخته همه جا
معلق‌زنان می‌رفت.

الگوی واژگان به کار رفته در مورد افراد داستان نیز جالب است. زمانی که از
لشکر اشقیا کسی کشته می‌شود، «چون خیار تر به دو حوضه می‌شود»، «استخوان
تنش به مانند تخم خشخاش (یا آبگینه) خرد می‌شود» و در نتیجه، «جان را به
ماکان دوزخ می‌سپارد»، «تن پلیدش به دوزخ اسفل السافلین می‌رود»، و «به
لعنت ابدی و ازلی واصل می‌شود». از سوی دیگر، مرگ اصحاب لشکر اسلام بدین
گونه است که جنگ‌جویی «به درجه شهادت مستفیض می‌شود» و «جان به
خازن بست تسلیم می‌کند».

بدیهی است که چند متنی نمی‌تواند از خشونت عاری باشد و این خشونت
گاه برای تهییج مخاطب نقالی، از حد می‌گذرد. به هر حال خواننده متن نقالی،
باید شور و حال حاکم بر فضای نقل را هم در نظر داشته باشد.

کنایات و توصیفات حاوی آرایه های ادبی:

این متن سرشار از کنایات و استعارات خوانایی و زیبایی است که فهرستی از چند
مورد آنها در اینجا ذکر می‌شود:

«تیر دعای او به هدف اجابت مقرون گشت»، «میل و لب تیر در عرصه بهشت
در تاخت»، «رشته هدایت را در گردن بست»، «نیمه دار را از تخم صبر و
شکیایی پر کرد»، «توشه شهادت را به دوش انداخت»، «خاک به آتش و فولاد
غوطه‌ور ساخت»، «آفتاب از دریچه وهاب سر بیرون آورده و جهان را بر سر خود
مزمین گردانید»، «به کوه قربان‌گاه قربانی وفا شوم»، «چنان که زر و سیماب
اندر آمیزد به هم آمیختند»، «بمانند شغالی که از برای شیر آمده باشد»، «کمند
را حلقه حلقه و چین چین بمانند زلف عروسان انداخت»، «این قدر زدند تا که
آفتاب بر قطب گردون رسید»، و نمونه‌های پر شمار دیگر.

ویژگی‌ها (و لغزش‌ها)ی دستوری متن:

به هنگام خواندن متن این طومار، بر خواننده اثبات می‌شود که این متن قطعا به نیت شنیده شدن نگاشته شده است، زیرا در بسیاری از موارد، به جای استفاده از ضمیر پس از اسم به جهت پرهیز از تکرار، اسمای خاص مرتباً تکرار شده‌اند، شاید برای آنکه شنونده خط داستان را از دست ندهد و عامل هر کنشی را بتواند در ذهن خود پیانی کند. مورد دیگر، استفاده از مصدر به جای فعل سوم شخص جمع است، مانند «رسیدن»، «دیدن»، و «بوسیدن» به معنای «رسیدند»، «دیدند» و «بوسیدند». در این نخست، چنین به نظر می‌رسد که شاید گونه گفتاری زبان فارسی که در عمل همین کلماتی را به ظاهر مصدر ارائه می‌کند، در تنظیم متن این نقل شفاهی دخالت داده باشد. اما توضیح استاد روشن در مقدمه تصحیح‌شان مبنی بر اینکه چنین دیدگاهی در مورد این متن کهن ادب فارسی هم سابقه داشته است، تردید اولیه ما را رفع می‌کند. متری چون طبقات الصوفیه به تصحیح عبدالرحی حبیبی؛ خوابگزاری به تصحیح ابراهیم ابراهیم؛ زبان التزیل به تصحیح مهدی محقق، و آداب الحرب و الشجاعة به تصحیح ابوالحسن علی بنی خوانساری.

در عین حال، این متن از لغزش‌های دستوری هر نهی نیست، از جمله جمع بستن کلمات جمع، مانند «ماها»، «چهل هزار کفار»، «ملاعینان» و «اکابران»؛ یا تفصیلی کردن صفات تفصیلی عربی، مانند «افضل ترب»؛ عبارات ترکیبی فارسی و عربی، مانند «حسب الخواش» و «حسب الفرمایش»؛ ساختارهای نارسای دستوری زمان آینده فعل، مانند جمله‌های «پهلوانان چندی خواهد به قول قوه الله از برای تو فرستاد» یا «خواهی درماند، و کسی به فریاد تو نرسد»، «ایرودای غیر رایج برخی ساختارهای صفتی مانند «شیخ، پسر کوچکی او را گرد برد» یا «من پسر بزرگ‌ترین بابا یوشع الدین، حسن‌بیک می‌باشم»؛ و جمله‌هایی غیر دستوری چون «سگ حضرت را من شرافت به این پادشاه و خلیفه می‌دانم»، «ما را پادشاهی و سرداری می‌یابد گردانید» و «خود را بسیار ستوده کرده است». به لحاظ ویژگی‌های املائی نیز، اغلاطی در متن دیده می‌شوند، که برخی در جاهای دیگر

درست نوشته شده‌اند. اغلاط یکپارچه متن عبارتند از: نوشتن کلمات «سلاح»، «مسلح» و «اسلحه» به صورت «صلاح». «مصلح» و «صلحه»، و کلمات «خواب» و «خواباندن» به صورت «خاب» و «خواباندن»؛ «خاطر» به صورت «خواطر»؛ «خوان سالار» به صورت «خان سالار» و «حرز» و «حارز» به صورت «حرض» و «حارض». همچنین شایسته ذکر است که کلمات «نوشتن» و «دوستدار» هم در سراسر این متن به صورت «نویشن» و «دوستار» آمده‌اند.

در آماده‌سازی این متن، رسم‌الخط مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را مدّ نظر داشته‌ام. لذا برخی پیوسته‌نویسی‌های متن را به الگوی نگارشی امروز درآردم، و ترجاً که نیازی به حرف ربط و اضافه و موردی چون آنها بود، برای روان‌تر خواندن مسر، در میان دو قلاب افزودم. صورت‌های نارایج یا غیر دستوری را اصلاح کردم. صورت اصلی موجود در متن را در پانویشت آورده‌ام. آنچه تغییر نداده‌ام، صورت کلمات تلفظی نام «مالک ارّدر» (مالک اشتر) و نام دو شهر «زنگان» (زنگان) و «خرکام» (تورک) است، که حاوی آگاهی به خواننده در مورد تلفظ رایج این اسامی در دوران قاجار است.

امید اینجانب این است که این خدمت کوچک، مورد قبول ارباب اندیشه و هنر ایرانی قرار گیرد. همچنین از جناب آقای حسن حیدری و انتشارات محترم تمتی که این اثر را به زیور طبع آراستند، سپاس بسیار می‌دارم.

بهرروز همدردی بهشتیاری

دانشیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران

خردادماه ۱۳۹۵